۲
آموزش سواد مالی
به کودکان

کی با من پیتزا می‌پزد؟



نویسنده: فیلمون استرجس
تصویرگر: امی ولراد
مترجم: سودابه فرخنده

۹

CamScanner
CamScanner

مرغ‌کوچولوی قرمز آخرین تکه‌ی خوش‌مزه‌ی نانش را خورده بود.

دمنوش علف‌مرغی را نوشیده و چرت کوتاهی هم زده بود.

حالا دوباره گرسنه‌اش شده بود.

برای همین قفسه‌ی خوراکی‌هایش را وارسی کرد تا قوطی سس گوجه را پیدا کند.

مرغ‌کوچولوی قرمز با خودش گفت،

"چطور است یک پیتزای خوش‌مزه درست کنم؟"

CamScanner

CamScanner



او قفسه‌ی ظرف‌ها را زیرورو کرد.

آنجا قالب نان، قالب کیک، ماهیتابه و همه نوع ظرفی بود.

اما حتی یکی از آنها هم **بزرگ و گرد و صاف نبود.**

با خودش گفت، **"قدقدقدا، قالب پیتزا می‌خواستم‌ها!"**

مرغ‌کوچولوی قرمز سرش را از پنجره بیرون برد و با صدای بلند گفت:

«صبح به خیر! کسی قالب پیتزا دارد؟»

CamScanner

CamScanner



CamScanner
CamScanner

مرغ کوچولوی قرمز گفت:

«خب خب خب، خودم می‌روم و یکی می خرم.»

پس به فروشگاه رفت و **یک قالب پیتزا،**

یک کاسه‌ی بزرگ، یک کارد پیتزا

و چند چیز دیگر خرید.

CamScanner

CamScanner

وقتی به خانه رسید. در قفسه مواد خوراکی را باز کرد.

مرغ کوچولوی قرمز انواع حبوبات و برنج را دید.

شکر و ادویه‌جات را دید.

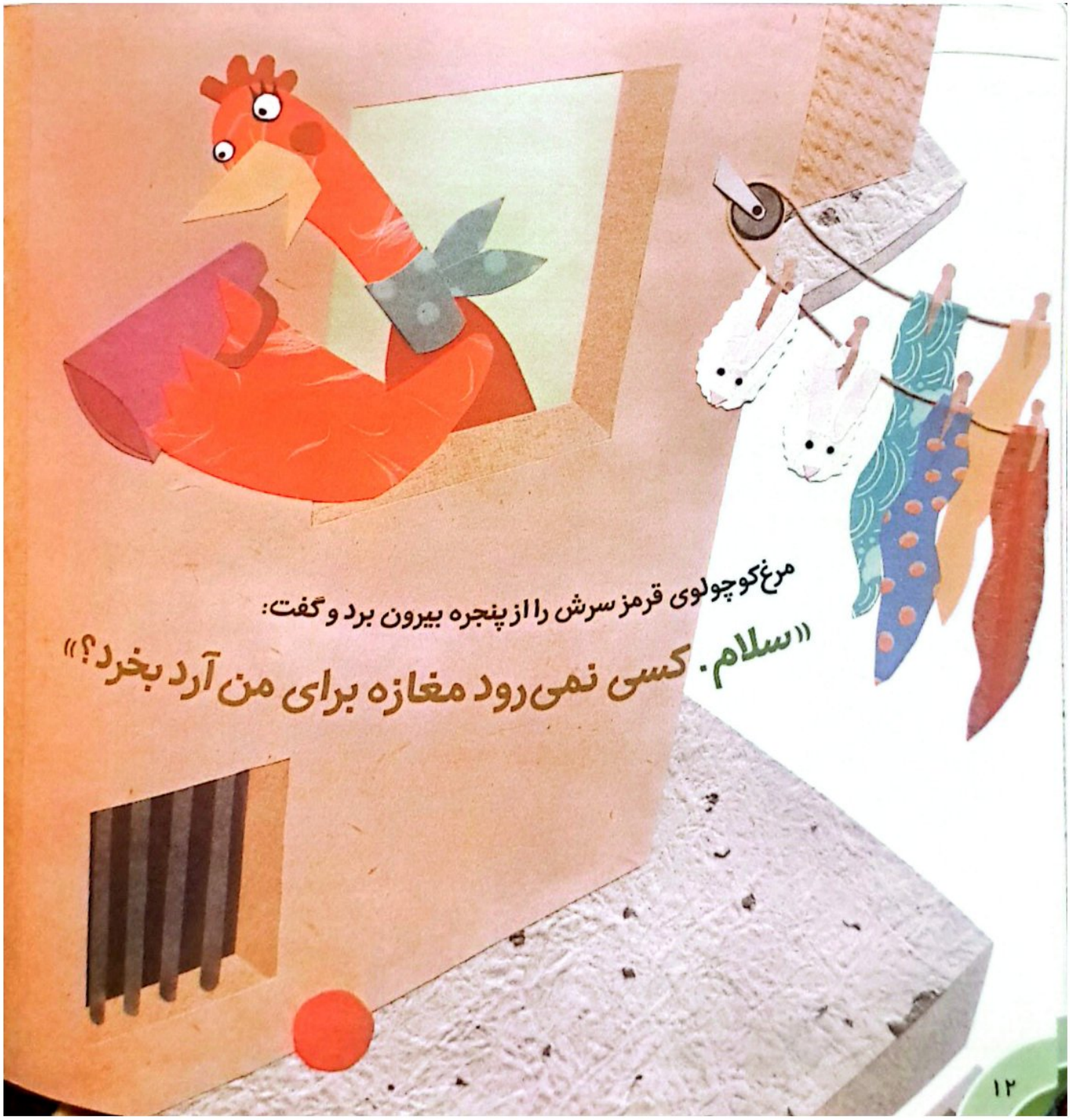
مرباها و عسل‌ها را هم دید.

و حتی ترشی بادمجان را دید. **اما هیچ پاکت آردی ندید.**

"قدقدقدا، یک‌کمی آرد می‌خواستم‌ها."

CamScanner

CamScanner



CamScanner

CamScanner



CamScanner
CamScanner

مرغ کوچولوی قرمز گفت:

«خب خب خب، خودم می‌روم و آرد می‌خرم.»

و بعد به مغازه رفت و آرد، نمک، روغن

و چند چیز دیگر خرید.



CamScanner

CamScanner



وقتی به خانه رسید، دریچال را باز کرد و گفت،

"قدقدقدا، پنیر خامه‌ای داریم، پنیر کپکی داریم.

پنیر ورقه‌ای داریم، پنیر صبحانه داریم... اما پنیر پیتزا نداریم!" پس...

CamScanner

CamScanner

مرغ کوچولوی قرمز سرش را از پنجره بیرون برد و گفت:

«ببخشید ها. کسی می‌رود مغازه **برای من پنیر پیتزا بخرد؟**»



CamScanner
CamScanner



CamScanner
CamScanner

بعد مرغ کوچولوی قرمز به مغازه رفت

و پنیر پیتزا، پپرونی و زیتون سیاه خرید.

کمی هم قارچ و پیاز و سیر و یک قوطی تن ماهی

و چند چیز دیگر خرید.

اما ترشی بادمجان نخرید.

CamScanner

CamScanner

وقتی به خانه رسید، پیش‌بندش را پوشید.

سرش را از پنجره بیرون برد و گفت:

«ظهربه‌خیر. کسی در تهیه‌ی خمیر پیتزا به من کمک می‌کند؟»

اردک گفت: «من نمی‌کنم.»

سگ گفت: «من نمی‌کنم.»

گربه گفت: «من هم نمی‌کنم.»

مرغ‌کوچولوی قرمز گفت:

«خب‌خب‌خب، خودم درستش می‌کنم.»

CamScanner

CamScanner



بعد آرد و چیزهای دیگری درون کاسه‌ی بزرگش ریخت و آنها را هم زد

و مخلوط کرد و مخلوط کرد و ورز داد و ورز داد **و با مشت به آن ضربه زد**

تا اینکه خمیری به اندازه‌ی یک توپ بزرگ درست شد.



CamScanner

CamScanner

وقتی خمیر پیتزا آماده شد،

مرغ کوچولوی قرمز از خوشحالی آن را بالا انداخت

و دوباره گرفت و بعد داخل قالب پیتزا گذاشت.



CamScanner

CamScanner



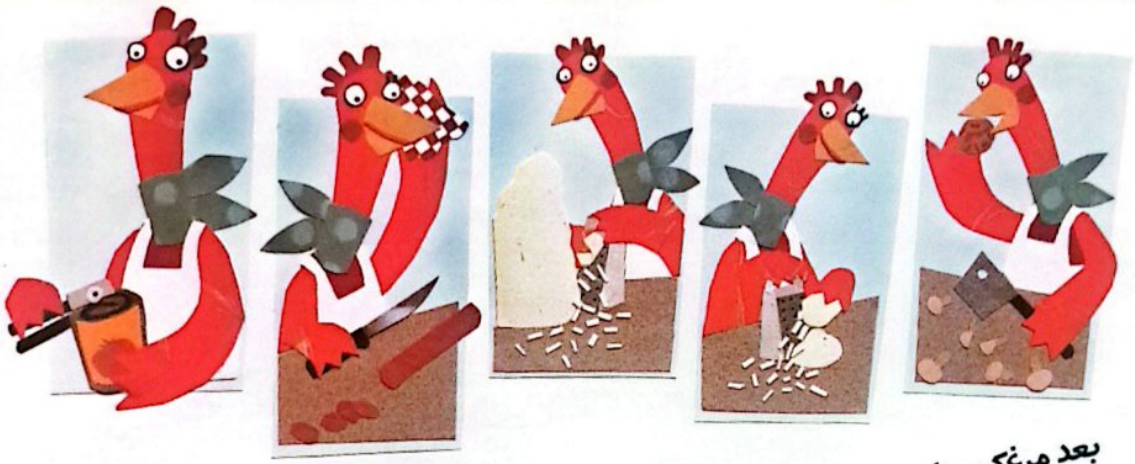
CamScanner

CamScanner



CamScanner

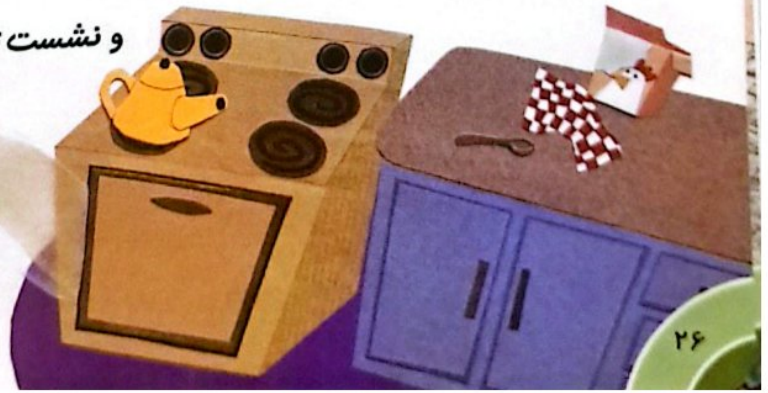
CamScanner



بعد مرغ‌کوچولو مواد پیتزا را خرد کرد و رنده کرد و رنده کرد و حلقه‌حلقه کرد.

بعد در سس‌گوجه را باز کرد و سس را روی خمیر پیتزا مالید. روی سس، کمی پنیر رنده شده، کمی پپرونی حلقه‌شده، کمی زیتون خردشده، کمی قارچ، کمی پیاز، کمی سیر، کمی تن ماهی و چند چیز دیگر گذاشت. اما ترشی بادمجان نگذاشت.

مرغ‌کوچولوی قرمز به پیتزایش نگاه کرد. کاملاً آماده به‌نظر می‌رسید، آن را درون فر گذاشت و نشست تا یک فنجان دمنوش علف مرغی بنوشد.



CamScanner

CamScanner



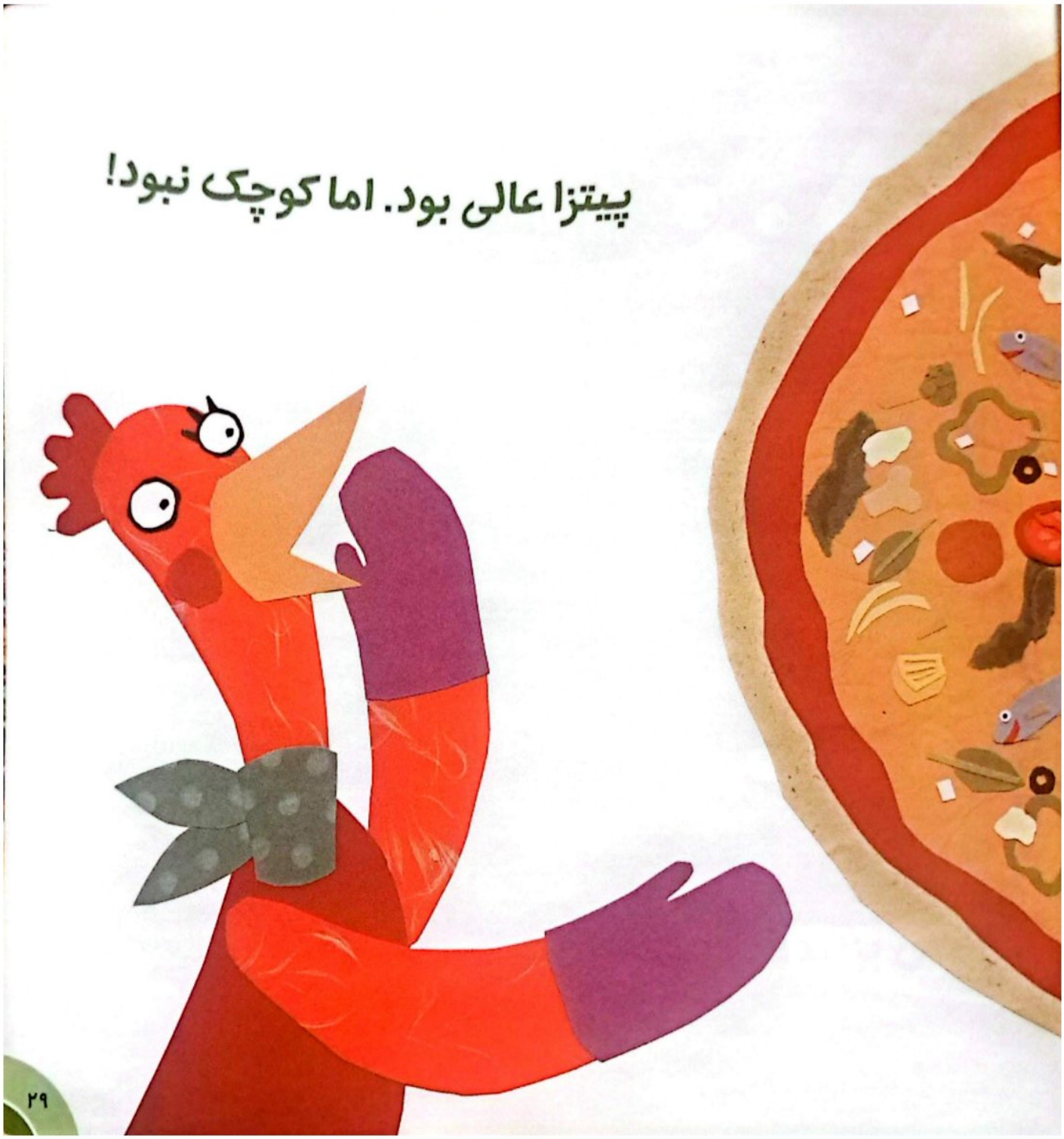
خیلی زود بوی دلپذیری از فر بیرون آمد. اتاق را پر کرد و از پنجره بیرون رفت.

مرغ کوچولوی قرمز با خودش فکر کرد، "حتماً پیتزای خوش‌مزه‌ام آماده شده."

CamScanner

CamScanner

پیتزا عالی بود. اما کوچک نبود!



CamScanner

CamScanner



CamScanner

CamScanner



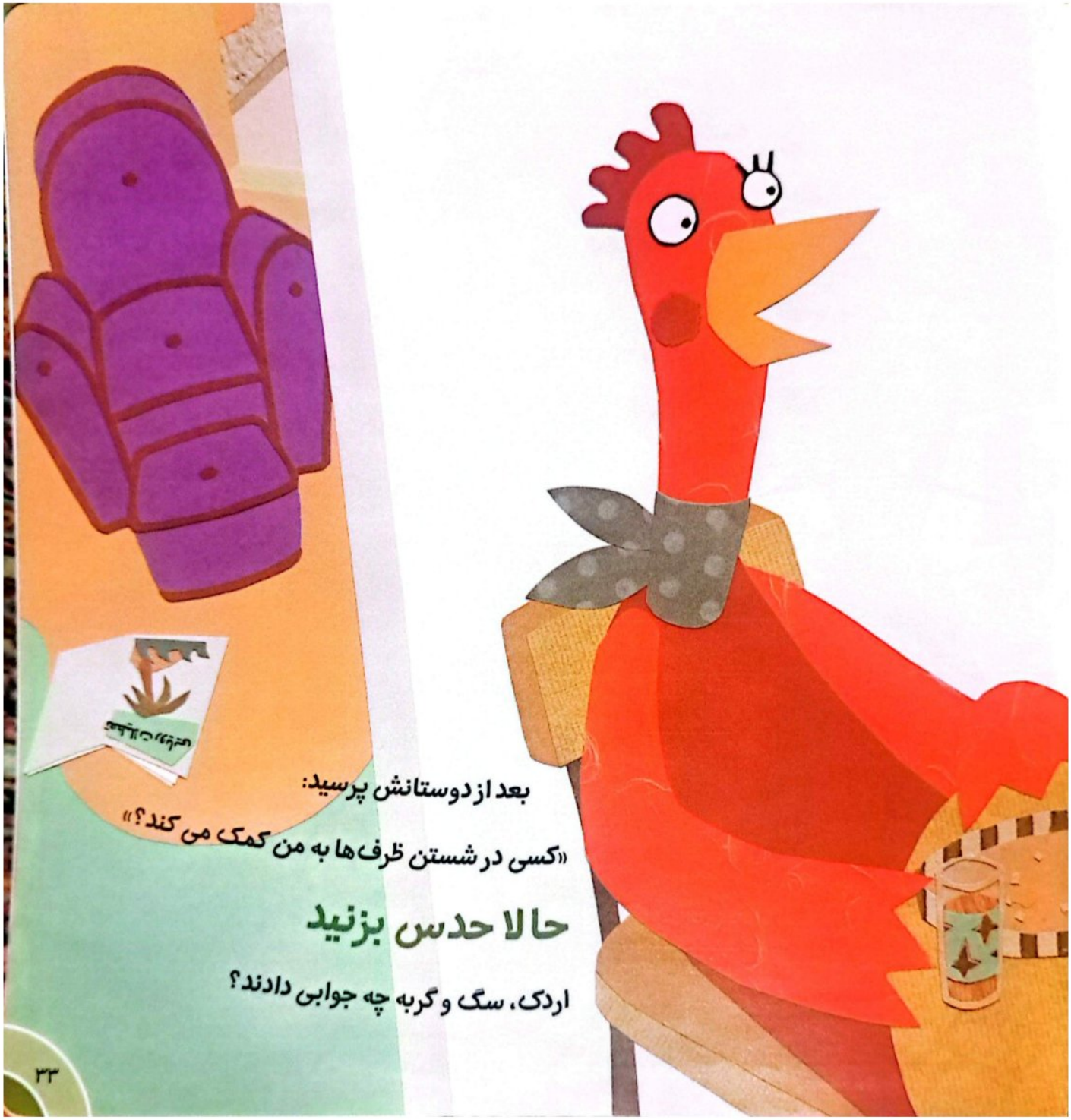
CamScanner

CamScanner



CamScanner

CamScanner



بعد از دوستانش پرسید:

«کسی در شستن ظرف‌ها به من کمک می‌کند؟»

حالا حدس بزنید

اردک، سگ و گربه چه جوابی دادند؟

CamScanner

CamScanner



CamScanner

CamScanner

چطور است برای خودم یک پیتزای کوچک و خوش‌مزه درست کنم؟

متأسفانه مرغ‌کوچولوی قرمز مواد لازم را برای پختن پیتزا ندارد

و سر دوستانش هم آن‌قدر شلوغ است که نمی‌توانند به او کمک کنند.

بنابراین خودش دست به‌کار می‌شود.

اول برای خرید قالب پیتزا به فروشگاه می‌رود و بعد برای خرید مواد پیتزا

به مغازه می‌رود و بعد به آشپزخانه برمی‌گردد و پیتزا را آماده می‌کند.

اما وقتی بوی پیتزا توی فضا می‌پیچید دوستان مرغ‌کوچولوی قرمز ظاهراً دیگر کاری ندارند

و در خوردن پیتزا با او شریک می‌شوند.



CamScanner

CamScanner



اما بعد از خوردن، هر کدام برای کمک به مرغ‌کوچولوی قرمزراهی پیدا می‌کنند.

CamScanner

CamScanner